

اقتصاد و جامعه

ابوالفضل شکوری

ماکس وبر (۱۸۶۴-۱۹۲۰)^۱ اندیشمند ژرف‌نگر و پرآوازه آلمانی از افراد نادری است که هیچ فیلسوف سیاسی، جامعه‌شناس و اقتصاددانی از شناخت آثار و نظریاتش بی‌نیاز نیست؛ بویژه با توجه به ضرورت روزافزون مباحث مربوط به نوسازی و توسعه در ابعاد مختلف آن و در قالب مفاهیم مدرنیته و فرامدرنیته، آثار و نظریات «وبر» جایگاه مشخص‌تر و برجسته‌تری را به خود اختصاص می‌دهند. اهمیت آثار و نظریات «وبر» بویژه از این نظر مضاعف می‌باشد که او در بررسیها و تحلیلهای جامعه‌شناسی خود به نهادها و نظامهای شرقی و اسلامی نیز توجه خاصی داشته و از دیگر اندیشمندان باخترزمین واقعه‌گراتر بوده است. فراوانی این قبیل مسایل

۱ - برای آگاهی از بیوگرافی و زندگینامه علمی وبر رک:

الف - ماکس وبر، مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی. به قلم ه. پ. مپهر. ترجمه احمد صدارتی. چاپ سوم: تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۱.

ب - آشوری، داریوش. درآمدی به جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی سیاسی. تهران، مروارید، ۱۳۵۸. صص ۵۱-۶۳.

ج - ماکس وبر. شهر در گذر زمان. با مقدمه مارتیندال. ترجمه شیوا (منصوره) کاویانی. چاپ دوم: تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۳.

د - ماکس وبر. اقتصاد و جامعه. ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی‌نژاد و مصطفی عمادزاده. تهران، انتشارات مولی، ۱۳۷۴. صص ۱۴-۳۰ (مقدمه مترجمان).

در آثار او چنان است که «برایان ترنر» را بر آن داشته است تا راجع به «ویر و اسلام» کتاب مستقلی بنگارد. کتاب «ویر و اسلام» یک بررسی انتقادی؛ در بردارنده دیدگاههای ویر درباره اسلام، جهان اسلام و مسلمانان است که توسط ترنر گردآوری و به گونه تحلیلی نوشته شده است.^۱

مضافاً بر آنچه که گفته شد در مواردی مشابهت‌های اساسی میان روش کار و نظریات ماکس ویر و ابن‌خلدون وجود دارد که اگر تصادفی نباشد، می‌توان گفت ماکس ویر در مواردی از جامعه‌شناسی سیاسی و اقتصادی خود، از ابن‌خلدون الهام گرفته است، و این مطلب ضرورت مطالعه نظریات ویر را دوچندان می‌کند. از جمله موارد مشابهت بین ابن‌خلدون و ماکس ویر، بحث ابتکاری این دو دانشمند راجع به گونه شناسی و طبقه‌بندی (تیپولوژی) انواع حکومتها و دولتها است. بدین ترتیب که ابن‌خلدون انواع حکومتهای مشروع را در سه نوع به نامهای: الف - حکومت طبیعی یا قهر و غلبه ب - حکومت عقلایی یا سیاسی ج - حکومت شرعی یا امامت و خلافت؛ طبقه‌بندی کرده است.^۲ ماکس ویر نیز انواع حکومت و سیادت مشروع را در سه نوع ذیل گونه‌بندی کرده است: الف - حکومت عقلایی (مبتنی بر مقررات مدون و قانون) ب - حکومت سنتی (مبتنی بر پذیرش انواع سنتها و آداب و رسوم قدیمی) ج - حکومت کاریزمایی یا فزهمند (مبتنی بر فرمانبرداری بدون چون و چرا و داوطلبانه و ایثارگرانه فرمانبران از فرمانروا که اغلب جنبه مذهبی دارد).^۳

بدین ترتیب می‌بینیم که مشابهت زیادی بین نظرات این دو دانشمند وجود دارد، هرچند که تفاوتها و تمایزات آنها نیز بنیادی است.

عامل دیگری که بر اهمیت آثار و افکار «ویر» می‌افزاید حضور تقریباً بدون رقیب نظریات او در مباحث مربوط به مدرنیته و فرامدرنیته است که اکنون یکی از مهمترین بحثهای مورد ابتلاء در فلسفه سیاسی است. ویر، نظریات و اندیشه‌های خود را در ضمن مقاله‌ها، رساله‌ها و کتابهای متعدد نگاشته که تاکنون شمار بسیار اندکی از آنها به فارسی ترجمه شده است. کتاب «شهر در گذرگاه زمان»^۴ یکی از آثار مستقل اوست که به فارسی ترجمه شده است؛ «مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی»^۵ نیز یک بخش از مجلدات چندین جلدی و بسیار مهم کتاب ویر به نام «اقتصاد و جامعه» است که قبلاً از روی ترجمه انگلیسی به فارسی برگردانده شده است. جدیدترین اثری که از ماکس ویر به فارسی ترجمه و منتشر شده یک مجلد از مجلدات کتاب مهم اقتصاد و جامعه او است که توسط سه تن از اساتید دانشگاه انجام گرفته است. آقایان دکتر عباس منوچهری، دکتر مهرداد ترابی‌نژاد و دکتر مصطفی عمادزاده این کتاب را با مقایسه متن

۱ - برای کسب آگاهی تفصیلی درباره این کتاب ر.ک: فصلنامه خاورمیانه، س اول، ش ۱/۱۵۰-۱۵۴، مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاور میانه.

۲ - ر.ک: ابن‌خلدون، عبدالرحمن. المقدمة بیروت، مؤسسة الاعلمی. صص ۱۹۰-۱۹۱.

۳ - ر.ک: اقتصاد و جامعه، ص ۲۷۳.

۴ - ر.ک: پاورقی ش ۱، ص ۲۱۷.

۵ - ر.ک: پاورقی ش ۱، همین صفحه.

اصلی (آلمانی) آن با ترجمه انگلیسی به فارسی برگردانده‌اند و در پایان آن نیز سه واژه‌نامه به شرح ذیل درج کرده‌اند:

۱. فارسی - انگلیسی - آلمانی،

۲. انگلیسی - فارسی - آلمانی،

۳. آلمانی - فارسی - انگلیسی.

و نیز مقدمه‌ای مبسوط و تحلیلی به قلم دکترعباس منوچهری به اول کتاب افزوده شده است. با این وصف کتاب «اقتصاد و جامعه» مجموعاً در ۵۵۷ (۳۰+۵۲۷) صفحه توسط انتشارات مولی به چاپ رسیده است.

متن کتاب در سه بخش اصلی تنظیم شده که عبارت است از: بخش اول مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، بخش دوم جامعه‌شناسی اقتصادی، بخش سوم جامعه‌شناسی سیاسی. بخش اول (چنان که گفتیم) چند سال پیش توسط آقای احمد صدارتی از روی برگردان انگلیسی کتاب ترجمه و منتشر شده است، ولی بخشهای دوم و سوم برای نخستین بار است که ترجمه و منتشر می‌شود.

دربارۀ بخش اول باید گفت تفاوت بسیار محسوس میان ترجمۀ منوچهری و همکارانش با ترجمۀ صدارتی وجود دارد که شاید در مجموع بیانگر اصالت ترجمۀ منوچهری و همکاران او نیز باشد. و این به خاطر آن است که آنان ترجمه خود را بر متن اصلی (آلمانی) منطبق ساخته‌اند. درج نمونه‌ای از هر دو ترجمه در اینجا مجال مقایسه دقیقتر را برای خوانندگان فراهم می‌آورد:

«۶- انواع اقتدار مشروع: قرارداد، حقوق

مشروعیت اقتدار به طرق زیر تضمین می‌شود:

۱- بر مبنای کاملاً ذهنی، یعنی می‌تواند ناشی از: الف) تسلیم عاطفی یا انفعالی محض باشد یا ب) ممکن است از اعتقاد عقلانی به اعتبار مطلق، اقتدار بمثابة تجلی ارزشهای غایی و تعهدآفرین اخلاقی، زیبایی شناختی و غیره، نشأت گیرد؛ یا ج) می‌تواند از گرایش‌های مذهبی نشأت یابد، یعنی بر مبنای این اعتقاد هدایت شود که رستگاری منوط به اطاعت از اقتدار است.

۲- همچنین، مشروعیت اقتدار ممکن است بوسیله نفع شخصی یعنی پیامدهای خاصی را انتظار داشتن، تضمین شود.

نظام اقتدار زمانی «قراردادی» خواهد بود که اعتبارش از بیرون توسط این احتمال تضمین گردد که انحراف از آن در درون یک گروه اجتماعی قابل تعین، با مخالفتی نسبتاً همگانی که اهمیت محسوسی هم دارد، روبرو خواهد شد. این چنین نظام اقتداری تنها هنگامی «حقوقی» تلقی می‌شود که از بیرون توسط این احتمال تضمین گردد که رفتار غیر عادی افراد توسط گروهی که برای رسیدگی به این نوع رفتار اقتدار ویژه‌ای دارد، با فشارهای روحی و جسمی روبرو می‌شود که

هدفش تحمیل همنوایی (Conformity) به افراد و مجازات نافرمانی است. (درباره مفهوم قرارداد، رجوع کنید به همان اثر از «ایرینگ» و «ویگلین» و نیز اثر فردیناند تونیس ذیل عنوان «رسم»، ۱۹۰۹).

۱- اصطلاح «قرارداد» برای مشخص کردن آن بخشی از «رسم» بکار می‌رود که در درون گروه اجتماعی مفروض معتبر شناخته می‌شود و از طریق مخالفت بانقض آن، تضمین می‌گردد. همانگونه که در اینجا تعریف شد، قرارداد بخاطر فقدان گروهی که نقش ویژه‌اش اجرای مقررات است، از «حقوق» متمایز می‌گردد. «اشتملر» بر مبنای اختیاری بودن یا نبودن اطاعت، بین قرارداد و حقوق فرق می‌گذارد اما تمایز وی نه با عرف رایج زبان‌شناختی تطبیق می‌کند و نه با مثال توضیحی خودش. انتظار می‌رود که فرد، همنوایی با قرارداد را در مسایلی از قبیل صور متداول احوالپرسی، مدهای مناسب و شایسته و قواعد گوناگون حاکم بر مراوده اجتماعی، چه به لحاظ شکل یا محتوا، جدی بگیرد و آن را الزام‌آور بداند. در این مورد، فرد برخلاف مسئله انتخاب شیوه آشپزی، دیگر آزاد نیست تا عرف مشترک را بپذیرد یا رد کند. نقض قرارداد، مثلاً نقض اخلاق حرفه‌ای غالباً با مؤثرترین و جدی‌ترین مجازات‌ها در شکل «تحریم اجتماعی» مواجه می‌شود که این خود می‌تواند از مجازات قانونی نیز مؤثرتر باشد. نقض قرارداد فقط این است که گروهی از قبیل قضات، دادستان‌ها، مقامات اداری و مجریان احکام جزایی را که وظیفه خاص‌شان حفظ نظم و قانون است، در اختیار ندارد. به‌رحال در اینجا، مرز تفکیک‌کننده روشنی یافت نمی‌شود.^۱

این نمونه از ترجمه آقای احمد صدارتی بود که ملاحظه کردید. اکنون ترجمه همان بخش را از ترجمه آقای منوچهری و همکاران نقل می‌کنیم:

«۶- انواع نظامهای مشروع

۱- تضمین یا تداوم مشروعیت یک نظام ممکن است از طریق انگیزه‌های درونی یا بیرونی صورت پذیرد:

الف) انگیزه‌های درونی. این انگیزه‌ها یکی از سه حالت زیر را دارند:

(۱) صرفاً احساسی، که شامل یک حالت وفاداری به منشاء احساس باشد؛

(۲) ناشی از یک باور عقلانی به اعتبار مطلق یک نظام به‌عنوان نمود ارزشهای متعالی باشد؛ مثل ارزشهای اخلاقی، زیبایی‌شناختی، یا هر نوع دیگری از ارزش؛

(۳) ناشی از نوعی نگرش مذهبی باشد که رهایی را در پذیرش نظام موردنظر

۱- ماکس وبر. مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی. ترجمه احمد صدارتی. صص ۹۳-۹۴.

می‌بیند.

ب) انگیزه‌های کاملاً برونی (منفعتی)، که به معنی امید به تبعات بیرونی خاص است.

۱) یک نظام زمانی عرف نامیده می‌شود که اعتبار بیرونی آن به این طریق تضمین می‌شود که، به احتمال قوی، هرگونه انحرافی از مبانی آن با واکنش عمومی و بسیار منفی در درون گروه مواجه خواهد شد؛

۲) اما یک نظام زمانی قانون است که بتواند از طریق فشارهای روحی و فیزیکی افراد را وادار به پذیرش نماید، یا اینکه بتواند افراد خاطی را تنبیه کند.

۲ - واژه عرف برای آن بخشی از رسوم بکار می‌رود که به عنوان «اجبار» در یک گروه اجتماعی پذیرفته شده باشد و با عدم تأیید نقض آن [توسط اعضا گروه] از آن حمایت شود. تفاوت «عرف» و «قانون» در این است که عرف توسط یک دستگاه اجرایی ویژه اعمال نمی‌شود. اشتاملر (Stammler) وجه تمایز عرف و قانون را در ویژگی اختیاری بودن عرف می‌بیند. منتهی، چنین تمایزی منطبق با کاربرد روزمره نیست و حتی با مثالهایی که وی می‌زند مطابقت ندارد. قطعاً از هر کسی انتظار می‌رود که در مواردی چون سلام کردن، لباس مناسب پوشیدن و همچنین در تماسهای اجتماعی (چه در شکل و چه در محتوی) از عرف پیروی کند. [عرف] صرفاً یک نوع رفع نیاز، مثل آداب تهیه غذا، نیست که شخص در انجام آن مختار باشد. تعدی به قواعد عرفی - مثلاً به استانداردهای «تکریم» - معمولاً به اعمال جدی و شدید نوعی تحریم غیر رسمی توسط اعضا گروه علیه شخص متعدی منجر می‌شود. این، حتی می‌تواند سخت‌تر از هر نوع تنبیه قانونی باشد. تنها چیزی که در این میان غایب است، وجود افرادی است که تخصص آنها تنفیذ نظام می‌باشد؛ مثل قضات، دادستانها و کارمندان اداری. منتهی، این نظامها در طیف سیالی قرار دارند.^۱

بخش اول کتاب اقتصاد و جامعه که نمونه‌ای از متن آن در دو ترجمه متفاوت را ملاحظه فرمودید شامل مباحث کلیدی جامعه‌شناسی است و بیشتر به تبیین مفاهیم و تعریف اصطلاحات کلیدی این فن پرداخته است؛ مانند مفهوم کنش اجتماعی، مفهوم روابط اجتماعی، مفهوم تشکل، مفهوم منازعه، مفهوم نظام مشروع و انواع آن، مفهوم طبقه و غیره.

بخش دوم کتاب آن تحت عنوان «جامعه‌شناسی اقتصادی»؛ مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی اقتصادی را تبیین کرده است که در زبان فارسی تاکنون چنین متن جامعی در این موضوع منتشر نشده بود. مباحثی مانند مفهوم کنش اقتصادی، مفهوم مطلوبیت، مفهوم کسب،

۱ - ماکس وبر. اقتصاد و جامعه. صص ۳۸-۳۹.

مفهوم تقسیم فنی کار و ابعاد اجتماعی آن، مفهوم اشتغال، مفهوم تجارت، آشنایی با انواع پول و نقش هر یک در اقتصاد و مسایل بسیاری دیگر. در این بخش بحث مربوط به پول و نقش اقتصادی آن و نیز توجه به ابعاد اجتماعی تقسیم کار مباحث بسیار زنده و کارآمدی محسوب می‌شوند.

بخش سوم کتاب زیر عنوان «جامعه‌شناسی سیاسی» با توجه به مباحث گونه‌شناسی انواع سلطه و اقتدار (و یا به قول مترجمان سیادت) و نیز مبانی مشروعیت در آن، بسیار جالب توجه است و مباحث عمده آن عبارت است از: مبنای مشروعیت، سیادت عقلانی، سیادت سنتی، سیادت کارزمایی و یا فزهمند، نظام شورایی و تفکیک قوا، احزاب، نمایندگی و سیادت [سلطه] زدایی.

این مباحث در کتابهای مختلف علوم سیاسی به انحاء گوناگون قابل دسترسی است، لیکن به گونه‌ای که در کتاب اقتصاد و جامعه وبر آمده در هیچ منبع دیگری یافت نمی‌شوند. دیدگاههای وبر در بحث مشروعیت اقتدار سیاسی و انواع و مبانی آن، دارای اشکالات فراوان بوده و برای ما قابل قبول نیست؛ با این همه، شکل بحث او الگوری بسیار خوبی برای طرح و بررسی این قبیل مباحث بشمار می‌آید. ولذا به نظر می‌رسد هیچ‌یک از استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های علوم سیاسی و توسعه، از مطالعه نقادانه این کتاب بی‌نیاز نیستند. درباره کار مترجمان و ناشر نیز گفتنی است کتاب دارای متن علمی بسیار سنگینی است و طبعاً ترجمه آن با دشواری همراه است. گرچه این اثر با کاغذ خوب و صفحه‌بندی چشم‌نواز به بازار کتاب ارائه شده و لیکن متأسفانه فاقد ویرایش فنی است. نگارش پسوندها و پیشوندهای افعال و اسامی نیز اغلب برخلاف رسم الخط رایج فعلی فارسی است و همین مطلب بر سنگین‌تر و دیریاب‌تر بودن مطالب کتاب افزوده است. مضافاً بر اینکه گاه به کارگیری برخی معادل‌های جدید به جای کلمات رواج یافته قبلی در زبان فارسی، بر ابهام مراد مؤلف افزوده است؛ مانند به کار بردن واژه «سیادت» به جای «سلطه» یا «اقتدار» که در کتب علوم سیاسی رواج بیشتری دارد، هرچند که واژه سیادت از نظر معنی به متن اصلی و آلمانی کتاب نزدیک‌تر باشد. کتاب عاری از غلط چاپی نیست ولی مقدار آن اندک و قابل چشم‌پوشی است.